

تحلیلی اجمالی از مقام رضا و تسلیم از منظر قرآن کریم

حجت الاسلام والمسلمین میرتقی قادری*

«يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً
مَرْضِيَةً فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّاتِي»^۱

اشاره

یکی از منازل سیر و سلوک عرفانی که بخشی از آیات قرآن کریم، مستقیم یا غیر مستقیم، به آن اختصاص یافته است و عرفای بزرگی همچون حضرت امام خمینی علیه السلام در ذیل کتاب شرح حدیث جنود عقل و جهل،^۲ بطور مفصل به آن پرداخته‌اند، مقام رضا و تسلیم است. از آنجایی که آشنایی و معرفت به این مقام عرفانی و بکارگیری آن نقش مهم روحانی، اخلاقی و تربیتی در حیات طیبه دارد با تبیین چند نکته بهم پیوسته هریک زمینه ساز معرفت و شناخت نکته بعدی است، به شرح اجمالی این مرتبه از سلوک معنوی خواهیم پرداخت.

۱. هدف مندی نظام آفرینش

از آنجایی که به حکم عقل حق تعالی حکیم علی الاطلاق است، هیچ فعلی از افعال او از جمله آفرینش انسان و نظام هستی بدون غایت و هدف نیست، از همین رو قرآن کریم می‌فرماید: «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ»^۳ آیا چنین پنداشتید که ما شما را به عبث و بازیچه آفریده‌ایم و هرگز به سوی ما بازگردانده نمی‌شوید؟! همچنین در آیه دیگری می‌فرماید:

* استاد سطح عالی حوزه علمیه قم و مبلغ نخبه دفتر تبلیغات اسلامی.

۱. فجر: ۲۷ - ۳۰: «هان ای روح آرام یافته! به سوی پروردگارت باز گرد که تو از او راضی و او از تو راضی است. پس در زمره‌ی بندگان من در آی.»

۲. روح الله خمینی، شرح حدیث جنود عقل و جهل، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، دفتر قم، ۱۴۰۰ ش.

۳. مومنون: ۱۱۵.

«أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى»؛ آیا انسان گمان می‌کند مهم‌ل آفریده شده و بیهوده رها می‌شود. همچنین در سوره دخان آمده است: «وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لِأَعْبِينَ»؛^۲ و ما آسمان‌ها و زمین و آنچه را بین آنهاست به بازیچه خلق نکردیم.

۲. غایت و هدف خلقت انسان

غایت، غرض و هدف از خلقت انسان در بین همه پدیده‌های عالم هستی وصال و لقاء الهی است. به عبارت دیگر، همه عالم برای این غرض آفریده شده است تا زمینه و بستر رسیدن انسان به غایت خلقتش فراهم شود، از همین رو قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ»^۳ ای انسان! تو با تلاش و رنج بسوی پروردگارت می‌روی و او را ملاقات خواهی کرد!

۳. مقام رضا و تسلیم راه وصول به درگاه الهی

هرچند از منظر قرآن کریم و احادیث اهل بیت علیهم‌السلام در رسیدن به وصال و لقاء الهی که غایت و غرض نهایی خلقت انسان است راه‌های متعددی وجود دارد، ولی به سه دلیل، مقام رضا و تسلیم یکی از مهمترین راه‌هاست.

دلیل اول: آیاتی از سوره فجر است که راه برگشت و رسیدن به وصال و قرب الهی را رضای ذات حق تعالی دانسته و خطاب به بندگان الهی می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّتِي»؛^۴ هان ای روح آرام یافته! به سوی پروردگارت باز گرد که تواز او راضی و او از تو راضی است. پس در زمره‌ی بندگان من در آی.

دلیل دوم: براینکه رضای حق تعالی راه رسیدن به قرب حق تعالی و نائل شدن به وصال الهی است، تمجید و تعریف حق تعالی از این دسته از سالکان است. خداوند در سوره مجادله در توصیف صاحبان مقام رضا می‌فرماید: «رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَٰئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»؛^۵ خدا از آنان خشنود است و آنان هم از خدا خشنودند، اینان حزب

۱. قیامت: ۳۰.

۲. دخان: ۳۸.

۳. قیامت: ۶.

۴. فجر: ۲۷-۳۰.

۵. مجادله: ۲۲.

خدا هستند، آگاه باش که بی تردید حزب خدا همان رستگارانند.

همچنین در سوره بینه در توصیف صاحبان مقام رضا می‌فرماید: «رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ لِمَنْ حَشِيَ رَبَّهُ»^۱؛ خدا از آنان خشنود است و آنان هم از خدا خشنودند؛ این [پاداش] برای کسی است که از پروردگارش بترسد.

دلیل سوم: روایاتی است که مقام رضا و تسلیم را نشانه کامل ایمان و حدّ اعلای یقین و شکر برشمرده‌اند. طبق این دسته از روایات از جلوه‌های شاکر بودن بنده آن است که در برابر خواست الهی تسلیم باشد. از همین روست که در حدیث قدسی می‌خوانیم: «مَنْ لَمْ يَرْض بِقَضَائِي وَلَمْ يُؤْمِنْ بِقَدْرِي، فَلَيْتَمِسَ إِلَهَا غَيْرِي»^۲؛ هر کس به قضای من راضی نیست و به تقدیر من ایمان ندارد، پس در پی خدایی دیگر غیر از من باشد.

آنچه انسان را به مرحله «رضا به قضای الهی» می‌رساند، معرفت خداست. هر که خداشناس‌تر باشد، نسبت به خواست او تسلیم‌تر خواهد بود. امام باقر علیه السلام در حدیثی به این نکته اشاره می‌فرماید: «أَحَقُّ مَنْ خَلَقَ اللَّهُ بِالتَّسْلِيمِ لِمَا قَضَى اللَّهُ مِنْ عَرَفَ اللَّهَ»^۳؛ سزاوارترین خلق خدا به تسلیم در برابر قضای او، کسی است که خداشناس باشد.

۴. مراتب و منازل رضایت الهی

نکته مهم و کلیدی که نباید از آن غفلت کرد این مطلب است که هرچند راه رسیدن به مقام وصال و لقای الهی رضا و تسلیم است، اما آنچه که مهم است و باید بدان توجه داشت این است که سلوک در مقام رضا و تسلیم دارای مراتب و منازل است. از همین رو عارف و سالک الی الله حضرت امام خمینی علیه السلام در شرح حدیث جنود، مقام رضا و تسلیم را دارای سه مرتبه و سه منزل دانسته، معتقد است سالکی که این منازل و مقامات سه گانه را طی طریق کند به وصال و لقای الهی واصل خواهد شد:

منزل اول؛ رضا به ربوبیت الهی

منزل اول، منزل رضا به ربوبیت حق تعالی است. در این مرتبه و منزل سالک خود را از سلطنت

۱. بینه: ۸.

۲. محمد بن علی بن بابویه، توحید، ص ۳۷۱.

۳. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۱۵۳؛ محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۶۰.

شیطان خارج کرده و تحت ربوبیت حق تعالی قرار می‌دهد و بدان راضی و خشنود می‌شود.^۱ به عبارت دیگر، سالک در این مرتبه نه تنها حق تعالی را خالق و صانع عالم هستی می‌داند، بلکه ادامه حیات موجودات عالم هستی، از جمله انسان را از حق تعالی دانسته و به این باور و ایمان می‌رسد که همه امور با تدبیر حضرت حق استمرار دارد و به همین جهت نه تنها نسبت به تکالیفی که از ناحیه پیامبر و امام به وی رسیده، احساس مشقت نمی‌کند و راضی به آن است، بلکه با شوق و وصف ناپذیری از اوامر و نواهی حق تعالی تبعیت کرده و رفتارش را با دستورات الهی تنظیم می‌کند. به عبارت سوم، سالک راضی به رضای الهی است به صورتی که خدای متعال را به عنوان رب می‌پذیرد، بندگی او را می‌کند و عبادت غیر او را بد می‌شمارد. این رضا رکن اصلی اسلام است و با وجود آن سالک از شرک اکبر نجات می‌یابد.

صحت این درجه از رضا به چند چیز وابسته است:

اول اینکه در نزد سالک خدای عزوجل محبوب‌ترین کس باشد؛ دوم اینکه فقط حق تعالی را سزاوار پرستش بداند. از همین روست که امام حسین علیه السلام می‌فرماید: «أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّ اللَّهَ جَلَّ ذِكْرُهُ مَا خَلَقَ الْعِبَادَ إِلَّا لِيَعْرِفُوهُ، فَإِذَا عَرَفُوهُ عَبَدُوهُ، فَإِذَا عَبَدُوهُ اسْتَعْنُوا بِعِبَادَتِهِ عَنْ عِبَادَةِ مَاسِوَاهُ؛^۲ ای مردم! همانا خدای بزرگ بندگان را نیافریده مگر برای آنکه او را بشناسند، وقتی او را شناختند او را پرستش خواهند کرد، هنگامی که او را پرستش کردند از بندگی غیر او بی‌نیاز می‌شوند.»

منزل دوم: رضا به قضا و قدر الهی

منزل دوم، راضی بودن به قضا و قدر الهی است. این منزل بدان معناست که سالک از پیش آمدهای گوارا و ناگوار و هر آنچه را که حق تعالی به بنده عطا فرموده است، راضی و خشنود باشد و همه را عطیه حق تعالی به شمار آورد. دستیابی به این مرتبه، در صوتی حاصل می‌شود که سالک به مقام رأفت و رحمت حق تعالی معرفت پیدا کند و ایمان داشته باشد که هرچه خداوند در این عالم به بنده خود عطا می‌کند، برای تربیت بندگان و حصول کمالات نفسانی آنها و فعلیت یافتن فطرت مخموره آنان است.^۳ از همین رو همان‌گونه که قبلاً اشاره شد، در حدیث

۱. روح الله خمینی، شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص ۱۶۶.

۲. محمد بن علی بن بابویه شیخ صدوق، علل الشرایع، ص ۹.

۳. روح الله خمینی، همان، ص ۱۶۸.

قدسی آمده است: «مَنْ لَمْ يَرْضَ بِقَضَائِي وَلَمْ يُؤْمِنْ بِقَدْرِي، فَلَيْتَمِسَ إِلَهَا غَيْرِي؛^۱ هر کس به قضای من راضی نیست و به تقدیر من ایمان ندارد، پس در پی خدایی دیگر غیر از من باشد.» در حدیث معراج نیز آمده است: «إِنَّ النَّبِيَّ ﷺ سَأَلَ رَبَّهُ لَيْلَةَ الْمِعْرَاجِ فَقَالَ: يَا رَبِّ، أَيُّ الْأَعْمَالِ أَفْضَلُ؟ فَقَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: لَيْسَ شَيْءٌ أَفْضَلَ عِنْدِي مِنَ التَّوَكُّلِ عَلَيَّ، وَالرِّضَى بِمَا قَسَمْتُ؛^۲ امام علی عليه السلام فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله در شب معراج از پروردگارش پرسید و عرض کرد: ای پروردگار من! کدام اعمال برتر است؟ خداوند عزوجل فرمود: هیچ چیز نزد من برتر از توکل کردن بر من و خشنود بودن به آنچه قسمتش کرده ام، نیست.»

منزل سوم: رضا برضای الهی

منزل سوم؛ مرضی به رضای خداوند است. این منزل بدان معناست که سالک با عبور از مرتبه اول و دوم، آنچنان فانی در حق تعالی می شود که دیگر خود را نمی بیند، بلکه به بیان عارف و سالک الی الله حضرت امام خمینی رحمته الله علیه در این مرتبه بنده از خود خشنودی ندارد و رضایت او تابع رضایت حق است؛ چنان که اراده او به اراده خداوند است.^۳

مصادیق قرآنی مقام رضا و تسلیم

در اینجا به چند نمونه قرآنی از مقام رضا و تسلیم اشاره می شود:

- حضرت ایوب عليه السلام، با آن همه بلاها و رنج‌ها که دچارش شد، حالت رضای خویش را از دست نداد و قرآن، او را به صبر و رضا ستود؛ «إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ؛^۴ ما او را شکویا یافتیم؛ چه بنده خوبی که بسیار بازگشت‌کننده (به سوی خدا) بود!»

- حضرت یعقوب عليه السلام وقتی به فراق یوسف عليه السلام دچار شد و فهمید که تقدیر الهی بر آن است، با گفتن «فصبرٌ جمیلٌ» تسلیم بودن خود را در برابر خدا و خواست او ابراز کرد؛ «وَجَاءُوا عَلَيَّ قَمِيصِهِ بِدَمٍ كَذِبٍ قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْرًا فَصَبِرْ جَمِيلٌ وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَيَّ مَا تَصِفُونَ؛^۵ و پیراهن او را با خونی دروغین (آغشته ساخته، نزد پدر) آوردند؛ گفت: «هوس‌های

۱. محمد بن علی بن بابویه شیخ صدوق، توحید، ص ۳۷۱.

۲. علامه محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۷، ص ۲۱-۳۱.

۳. روح الله خمینی، شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص ۱۶۷.

۴. ص: ۴۴.

۵. یوسف: ۱۸.

نفسانی شما این کار را برایتان آراسته! من صبر جمیل (و شکیبائی خالی از ناسپاسی) خواهم داشت؛ و در برابر آنچه می گوید، از خداوند یاری می طلبم!»

- حضرت ابراهیم علیه السلام، وقتی فرمان ذبح فرزندش اسماعیل علیه السلام را دریافت کرد و فهمید که باید در این آزمون الهی، مراتب ایمان و توحیدش را به اثبات برساند، فرزند عزیزش را به قربانگاه برد و کارد بر حلقومش نهاد؛ حضرت اسماعیل علیه السلام نیز، در آزمون یاد شده، همراه صبر و رضای پدر گام برداشت و چون فهمید که فرمان ذبح از سوی خداست، اظهار رضا و تسلیم کرد و گفت: ای پدر! آنچه را مأموری اجرا کن، مرا صابر خواهی یافت و چون هر دو تسلیم شدند و راضی گشتند و اسماعیل علیه السلام را بر زمین خواباند تا ذبح کند، فرمان خدا رسید و قربانی دیگری به جای او ذبح شد: «فَلَمَّا أَسْلَمَا وَتَلَّهُ لِلْجَبِينِ، وَنَادَيْنَاهُ أَنْ يَا إِبرَاهِيمُ، قَدْ صَدَقْتَ الرُّؤْيَا إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ، إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْبَلَاءُ الْمُبِينُ، وَفَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ؛^۱ پس وقتی هر دو تن دردادند [و همدیگر را بدرود گفتند] و [پسر] را به پیشانی بر خاک افکند، او را ندا دادیم که ای ابراهیم، رؤیا [ی خود] را حقیقت بخشیدی ما نیکوکاران را چنین پاداش می دهیم، راستی که این همان آزمایش آشکار بود، و او را در ازای قربانی بزرگی باز رهانیدیم.»

- امام حسین علیه السلام در آزمون سخت الهی در عاشورا، با فدا کردن همه عزیزانش در راه خدا، بر همه آن سختی ها صبر و شکیبایی نشان داد و در واپسین لحظات هم در قتلگاه، با جمله «الهی رَضِيَ بِقَضَائِكَ تَسْلِيمًا لِأَمْرِكَ لَا مَعْبُودَ سِوَاكَ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ...»^۲ بارها! خشنودم به قضای تو و تسلیم امر و فرمانت هستم و معبودی غیر تو نیست ای فریادرس فریادجویان! سرود رضا و تسلیم سر داد.»

کتابنامه

قرآن کریم

۱. خمینی، سیدروح الله، شرح حدیث جنود عقل و جهل، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۴۰۰ ش.
۲. دیلمی، حسن، إرشاد القلوب إلى الصواب، قم: شریف رضی، ۱۴۱۲ ق.

۱. صافات: ۱۰۳-۱۰۷.

۲. السید عبد الرزاق الموسوی المقرّم، مقتل الحسين، ص ۳۶۷.

تحلیلی اجمالی از مقام رضا و تسلیم از منظر قرآن کریم ■ ۸۹

۳. شیخ صدوق، محمد بن علی، توحید، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۳ق.

۴. _____، علل الشرایع، ج ۱، قم: مکتبه الداوری، ۱۳۸۵ ش.

۵. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، قم: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۸۸ ق.

۶. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.

۷. مقرم، عبدالرزاق، مقتل الحسین، بیروت: دار الکتب الاسلامی، ۱۳۹۹ ق.